

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان قافمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۸ دی ۱۴۰۱ • ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۱۸ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۷۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۷:۳۶

اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۲

شرق

دیالوگ روز

دیالوگ یافتن فارستر

یافتن فارستر- کاس ون سنت - ۲۰۰۰

ویلیام فارستر (شون کانری): ما از ترس اینکه ممکن است شکست بخوریم

یا بدتر از ترس اینکه ممکن است موفق شویم.

از رؤیاهایمان فرار می‌کنیم.

آکادمی

روز «مارتین لوترکینگ»



بابک زمانی

نورولوژیست

سومین دوشنبه ماه ژانویه هر سال به مناسبت روز تولد او، روز «مارتین لوترکینگ» خوانده می‌شود. در همه ایالات شمالی یا جنوبی دموکرات یا جمهوری خواه این یکی از اعیاد و تعطیلات رسمی ایالت متحده است.
مارتین لوترکینگ مینکر و پیشگام جنبش‌های مسالمت‌آمیز است. او با هدایت خشونت‌گریز جنبش سیاهان آمریکا توانست به تبعض نژادی سیاه‌پوستان آمریکا پایان دهد و جنبشی را هدایت کند که آشتی جو نبود، سازش‌کاری را نمی‌پذیرفت و عاقبت‌طلب نبود، بلکه به این باور رسیده بود که فقط با روش مسالمت‌آمیز موفقیت امکان‌پذیر است و نه‌تنها این بلکه تنها از همین طریق است که هدف ارزش یوبیدن دارد. ده‌ها سال منازعه، خشونت و جنگ داخلی‌ای که مبارک‌ترین جنگ داخلی تاریخ بوده است، نتوانست حق بدیهی یک انسان سیاه‌پوست را به تمامی جا بیندازد. همه راه‌های پیموده‌شده او را به راه خشونت‌پرهیز رساند. او زمانی جنبش مسالمت‌آمیز را برگزید که تبعض نژادی همچنان با خشونت‌نی عریان اعمال می‌شد و با جنگ و‌دندان از خود دفاع می‌کرد. لباس‌های سفید کولکلاس کلان، ذیح سیاهان خاطی (لینچ) و بسیاری خشونت‌ها و قتل‌های سیاهان که گاه برنامه‌ریزی شده بود، چیزی بود دهشت‌آور که خود جوابی خشونت‌آمیز می‌طلبد و از خشونت متقابل بیشترین بهره‌را می‌برد. کار آسانی نبود. اما او توانست منطق مسالمت‌ک بیشترین خطر را متوجه هواداران تبعیض نژادی می‌کرد، جا بیندازد. او دریافت افراطیون سفید بیشترین بهره‌را از خشونت سیاهان می‌برند و آن را بهانه سرکوب‌های وحشتناک می‌کنند. اما آن چیزی که دودمان تبعیض و بی‌رحمی را به باد می‌دهد، چیزی نیست جز رفتار مسالمت‌آمیز پیگیر ولو برخطر. مارتین لوترکینگ از این خطرات آگاه بود. بارها تهدید به مرگ شد و در نهایت نیز جان در راه نبرد مسالمت‌آمیز گذاشت. نبرد مسالمت‌آمیز هیچ‌گاه آسان‌تر از نبرد مسلحانه نبوده است! دموکرات‌های پیگیر، دموکرات‌های ماندنی، همیشه نبرد مسالمت‌آمیز با همه دشواری و زمان‌بربودنش را برمی‌گزینند. افراط‌گرایان هستند که آشتی به پا کرده و با سرعت ناپدید می‌شوند؛ چند سالی زندان، اعتصاب غذا و… عمری امن و آسایش، مصاحبه، کراوات، عطر و ادکلن و… جنبش مارتین لوترکینگ آتشفشان پنبه نبود که به سرعت پایان بگیرد و به مهاجرت ختم شود؛ آشتی بود نامیرا که همیشه در دل‌ها می‌ماند. جنبش او دشوار نبود، رهبران و بیش از همه خودش در خطر بودند. ولی آسان‌ترین و کم‌بهترین روش‌ها برای مردم انتخاب می‌شدند. هیچ‌کس را برای سوار شدن به اتوبوس نمی‌توان مورد آزار قرار داد. تصمیم جنبش بسریا تحریم اتوبوس‌هایی که ردیف مخصوص برای سیاهان داشتند، به‌شدت موفقیت‌آمیز بود. امروز ممکن است کسی بگوید این چه مبارزه‌ای است که سیاهان را از اتوبوس محروم می‌کند؟ اما هم جان، هم امروز سیاهان اهمیت داشت و کار دشوارتری نمی‌شد درخواست کرد. به‌علاوه با روش‌های ساده و کم‌بها، توده هرچه بیشتری از مردم در این جنبش شرکت می‌کردند. جنبش او انحصاری نبود؛ همه با هم عقیده‌ای و هر پیشینه‌ای حق اشتراک داشتند. اتفاقا تلاش بر جذب هرچه بیشتر مخالف‌ها و افراطی‌ها بود. با شعارهای تند و پرخاشگری صفوف سفیدهای افراطی را منسجم‌تر نمی‌کرد، بلکه با منطق و محبت و اجماع این صفوف را در هم می‌ریخت. جنبش او معطوف به هدف بود. شعار ناپودی و وعده بپهبودی بعد از ناپودی حرف نمی‌داد. می‌دانست این رودخانه مصائب را پایانی نیست. می‌دانست از تندی صلح برمی‌خیزد و هیچ‌گاه، هیچ‌گاه خرابی و نابودی بیشتر، لزوما پیش‌درآمد سعادت و آزادی نیست. گفت‌وگو با همه، معامله بر سر درخواست‌ها و استفاده از تمام محمل‌ها و نهادهای قانونی بدون تعطیلی جنبش مدنی با این امید، از اصول جنبش مارتین لوترکینگ بود. اساسا هدف جنبش مدنی او وادارکردن دیگران به گفت‌وگو بود. این فرض که تجربه نشان داده است نمی‌پذیرند. از دیدگاه لوترکینگ چیزی جز پذیرش شکست پیشاپیش نیست. روز مارتین لوترکینگ تنها روز رفع تبعیض نژادی سیاهان آمریکا نیست، روز پیروزی مسالمت بر خشونت است، و آن را هرسال از این جهت گرامی می‌دارند تا این روش برای همیشه به هر دلیل ماندگار باشد.
یادش گرامی، راهش پربرو بود، هر زمان و در هر کجا.



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

با وقوع رخدادها و اعتراضات اخیر افراد زیادی در سراسر کشور بازداشت شده‌اند. بیشتر این افراد در مرحله بازداشت موقت به سر می‌برند، حالا یا قرار تأمین صادر شده و بازداشت موقت بوده یا اینکه به دلیل نبود امکان تودیع وثیقه یا معرفی وکیل به بازداشتگاه هدایت شده‌اند. عده کمی نیز به دلیل صدور حکم برای تحمل کیفر روانه زندان شده‌اند. زندانیان به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: اول، افرادی که متهم به ارتکاب جرم هستند که تا زمان تعیین تکلیف نهایی (محکومیت یا برائت) برای جلوگیری از فرار یا از بین بردن آثار جرم، در بازداشت می‌مانند. این گروه «بازداشتی» خوانده می‌شوند. در قانون آیین دادرسی کیفری محدودیت‌هایی برای صدور قرار بازداشت موقت متهمان وجود دارد؛ اما عجز و نادانویی بیشتر خانواده‌ها از تأمین وثیقه، خودبه‌خود متهم را راهی بازداشتگاه می‌کند؛ دوم، اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه به حبس محکوم شده‌اند و در حال گذراندن دوران محکومیت هستند. امید این افراد به عقوهای مسابستی یا کسب رضایت شاکی خصوصی (در مواردی که جرم ارتكابی جنبه بیشتر خصوصی دارد) برای رهایی یا حداقل تخفیف در میزان مجازات است؛ سوم، در نهایت کسانی که مرتکب بزه نشده‌اند و به دلیل وجود بدهی (نظیر مهریه، دین و دیه) و در راستای «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» تا زمان پرداخت کامل بدهی یا کسب رضایت مدعی یا تقسیط پرداخت دین خود

خبر خوانی

در گذشت اسطلخی، موسیقی‌دان پیش‌کسوت



آمه بود، روز گذشته در ۸۸سالگی درگذشت. او را اهالی فرهنگ و هنر به‌عنوان موسیقی‌دان، آهنگ‌ساز و نوازنده می‌شناختند. قرار است مراسم خاکسپاری و وداع با این هنرمند با هماهنگی مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت اعلام و برگزار شود.«علی اکبرپور اسطلخی» معروف به علی اکبرپور مدرک درجه‌یک هنری داشت. او تحصیلات ابتدایی خود را در شهر رشت سپیری کرد. اولین استاد او در فراگری ساز ویولن موسیو پرواند بود. از ۱۳ تا ۱۴سالگی در «رادبو بی‌سیم» رشت به اجرای ویولن می‌پرداخت. از دیگر استادان او می‌توان به کیهان دیوان‌بیگی و رکن‌الدین نژند اشاره کرد. در سال‌های جوانی یک ارکستر تشکیل داد که در رادیو رشت به اجرای موسیقی می‌پرداخت و «غلامحسین بنان» در سال ۱۳۳۴ با آن ارکستر برنامه داشته است.در آن روزها با خوانندگانی همچون ناصر مسعودی، فانی، نادر گلچین و فریدون پوررضا به‌عنوان آهنگ‌ساز، رهبر ارکستر و نوازنده همکاری می‌کرد.به گزارش ایسنا، «ابراهیم روحی‌فر»، «الودیا تارخانیان»، «افدس پورتراب»، «محمود کریمی»، «حسن رادمر»، «رحمت‌الله بدیعی»، «توماس کریستین داوید»، «مصطفی کمال پورتراب»، «حسین دهلوی»، «فرهاد فخرالدینی» و «احمد پژمان» از دیگر موسیقی‌دانانی بوده‌اند که در آموزش موسیقی به «علی اکبرپور» نقش داشته‌اند. او در سال ۱۳۵۰ یا ۱۳۵۱ موفق به دریافت لیسانس در رشته آهنگ‌سازی از هنرکده موسیقی ملی شد و در دانشگاه نظامی به تدریس موسیقی مشغول شد. مجموعه «نغمه‌های زندگی»، «سوئیت‌ها» و «سفسفونی‌ها» قطعه‌های گوناگون برای «ویولن»، «فلوت»، «نی»، «پیانو» و… ازجمله آثار بی‌کلام اوست که برای ارکسترهای بزرگ و کوچک نوشته شده‌اند. او با ارکسترهایی نظیر «باربد»، «نیکسا» و ارکسترهای بزرگ رادیو و تلویزیون همکاری داشت.کیشه دمرده (بر اساس حکایت مشهور کیلیکی)، قطعه میرزا کوچک خان (با صدای ناصر مسعودی)، سوئیت «دوره‌گرد قصه‌گو»، ترانه ساقی (با صدای مازیار)، تصنیف‌های «شهاد وطن» و «بلند آسمان» از آثارش محسوب می‌شوند.

از طرف دادگاه در حبس‌اند. هرچند اساسا حبس این گروه سوم براساس هنجارهای بین‌المللی حقوق بشری ممنوع است؛ اما به موجب ماده ۳ «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» (۱۳۹۴) در مواردی مجاز شمرده می‌شود.

درحال‌حاضر «آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مصوب ۱۴۰۰/۲/۲۰ مصوب رئیس قوه قضائیه به ساماندهی امور زندانیان می‌پردازد. این متن مفصل شامل ۳۴۲ ماده و در هفت بخش به ترتیب با عناوین: کلیات؛ پذیرش برنامه‌ها و امور داخلی مؤسسه؛ حقوق زندانیان، اقدام‌های حمایتی و ارفاق‌های عمومی؛ اجرای حکم؛ کانون‌های اصلاح و تربیت؛ متهمان و محکومان دادرساها و دادگاه‌های نظامی و دیگر مقررات تدوین یافته است. براساس ماده ۳۱ این آیین‌نامه: «نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است. نگهداری متهمان در بازداشتگاه‌ها و زیر نظر سازمان صورت می‌گیرد. متهم بازداشتی حداکثر تا زمان صدور رای دادگاه در بازداشتگاه عمومی نگهداری می‌شود، مگر آنکه به دستور مقام قضائی یا مطابق با مصوبات کلی شورای مرکزی طبقه‌بندی، نگهداری او در بازداشتگاه امنیتی، نظامی و یا انتظامی که زیر نظر سازمان تشکیل شده و تحت نظارت سازمان است، ضروری تشخیص داده شود. حضور محکومان در بازداشتگاه مطلقا ممنوع است. متهم، زندانی محسوب نمی‌شود و محل نگهداری او در هر حال حتی در قرنطینه یا واحد تشخیص و محوطه هواخوری باید جدا از محکومان باشد…».

وضعیت زندانیان زن همواره بیچیده‌تر است. شرایط سخت زندان و دوری از همسر و فرزند، درباره زنان متاهل، نگرانی را برای این گروه بیشتر می‌کند.



● در فاصله نزدیکی از آزادشهر استان گلستان، سایت بازیافت زباله‌ای قرار دارد که به سبب جانمایی نامناسب مشکلات عدیده‌ای را در آلودگی زیست‌محیطی از جمله نفوذ شیرآب‌ها به اراضی زراعی و سفره‌های آب و… ایجاد کرده است. عکس: محمد عطایی / باشگاه خبرنگاران جوان

یاد

یادی از ابوالفضل خطیبی

شاهنامه‌پژوهشی گرانمایه و ادیب

نوبد مجیدی؛ چهارشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۱ خورشیدی دکتر ابوالفضل خطیبی، شاهنامه‌پژوه و محقق چیره‌دست متون کهن، پس از دوره‌ای بیماری رخ در نقاب خاک کشید و پهنه ادب را تنها گذاشت. آنچه سبب شد تا در رثای درگذشت استاد خطیبی چند سطری بنویسم، خاطره‌ای از او و اشاره به برخی ویژگی‌های برجسته‌اش است تا به سهم خویش دینی را که برگردنم حس می‌کنم، به ایشان ادا کنم.

بی‌گمان پژوهشگران، دوستان و شاگردانش، در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود مقام استاد را بسیار بهتر از من گرامی خواهند داشت.

نخستین برخورد من با دکتر خطیبی -آن‌هم به‌طور غیرمستقیم- به سال‌های آغازین دهه ۹۰ برمی‌گردد و روزهایی که به دلیل مرگ یک خواننده پاپ، شوری در میان مردم جاری بود و تحلیل‌های فراوانی در آن روزگار ارائه می‌شد. در آن برهه نسبت به موضع‌گیری ایشان درباره مرگ آن خواننده و بر پایه دیدگاه‌های جامعه‌شناسان عمیق‌نگر، خرده گرفتیم و جملاتی خطاب به استاد خطیبی بیان کردیم که هرچند از دید محتوایی از آنها دفاع می‌کنم، اما ادبیاتش کمی تند بود.

مدت‌ها گذشت تا مقام علمی بلند وی بر من آشکار شد و در فرصتی دیگر خود را معرفی کردم تا بتوانم از دریای دانش و آگاهی‌اش بیاموزم و ایشان با بزرگ‌منشی مرا پذیرفتند و همین رفتار، مرا شرم‌زنده کرد. گمان می‌کردم که بنا بر بحثی که میان ما رخ داده بود، از در تندی و رانند درآئیم، اما چنین نبود. یکی از ویژگی‌های برجسته وی که همواره در ذهن مانده و خواهد ماند، همین «بزرگ‌دلی» و «ظرفیت بالای او» بود.

از آن پس با پیام‌هایی چند، حالشان را جویا می‌شدم و به دلیل بهره‌مندشدن از نوشتارها و پژوهش‌هایی به ایشان ابراز ارادت می‌کردم. شوق من برای دیدار آن «ایران‌پار» گرانمایه به اندازه‌ای بود که یک بار برای دیدن غافلگیرانه‌اش به فرهنگستان زبان فارسی رفتم و در پی‌وخم مسیر نه‌چندان ساده آنجا، به در اتاقش رسیدم اما تشریف نداشتند، سپس داستان را به خود استاد شرح دادم و دانستم که بازنشسته شده‌اند -و من از آن آگاه نبودم- و به آنجا نمی‌روند.

به من از بیماری‌شان گفتند و اینکه «نوبد جان! برایم دعا کنید».

تلاش من برای دیدار، تنها ابراز ارادت یا زدودن مسائل گذشته نبود، می‌دانستم که دره‌ای از آنها در ذهنش مانده است، بلکه می‌خواستم برخی ایده‌های ذهنی‌ام را برایشان بازگو کنم و راهنمایی بخواهم. استاد خطیبی نه‌تنها شاهنامه‌پژوهی ورزیده بود، بلکه به قول شاهنامه‌پژوه گرامی، دکتر آیدنلو، آداب‌دان و روش‌شناسی گرانمایه بود که به نسخه‌های کهن تسلط داشت. ریشه‌شناسی واژگان و روش تفسیر معانی در نوشته‌ها و گفتار او چنان گیرا بود که خوانندگان را جذب می‌کرد و آنان را مسحوف می‌کرد. در این زمینه، استادان فن بسیار بهتر و بیشتر می‌توانند نظر دهند، اما بجا می‌دانم که به چند مورد به‌طور کوتاه به یاری حافظه اشاره کنم.

استاد خطیبی، نقدی جالب بر کتاب «سروده‌های رودکی نوشته علی رواقی» دارند و در نوشتاری مستند، به سابقه نام «ایران» پرداخته‌اند که هم به متن‌های چند سال پیش استادی استادانه داشته‌اند و هم ردیابی از آن را در بیش از هزار سال پیش در شاهنامه نشان داده‌اند.ویژگی بسیار ارزشمند دیگر دکتر خطیبی، عشق به ایران و میراث جاودانه ایرانیشهر بود؛ چنان‌که جابه‌جای این گستره زرخیز را دوست می‌داشت و در آنها به سخنرانی پرداخته و کام دلدادگان فرهنگ و هویت ملی را گوارا کرده بود. بی‌گمان درگذشت این پژوهشگر فرزانه، آن‌هم در روزگار ملتهب ایران جان، ضایعه‌ای بزرگ است، اما مرگ وی مرگی است جسمانی و راهش توسط همکاران و شاگردانش ادامه خواهد یافت و حضورش همواره با ما خواهد بود و این معنا، جز این نیست که ایران هرگز نخواهد مرد. ایشان هرگز درباره رخدادها، اجتماعی بی‌تفاوت نبودند و به اندازه توان همواره در کنار ایرانیان و خواسته‌های بحق آنان ماندند. شاید شگفت‌انگیز باشد اما ۲۱ دی‌ماه که هنوز خیر درگذشت او را نشنیده بودم، داشتم به او می‌اندیشیدم؛ به اینکه چه خوب بود نامش بر خیابانی یا مکانی فرهنگی حک می‌شد (اگر هست و من نمی‌دانم، خطا را بر من ببخشید) تا به هنگام زنده‌بودن، تقدیر بیشتری از او می‌شد. در روزی که دوره سه‌جلدی شاهنامه با تصحیح ادیبی گرانمایه -که خوانند نگهدارشان باد- را خریدم، با درخ یک شاهنامه‌شناسی ارزنده را از دست دادیم. با آنکه ماه‌ها درگیر بیماری بودم و در حاشیه، مرگ ناپهنگام زنده‌یاد دکتر خطیبی سبب شد تا تن نه‌چندان نیرومند اندکی به جنبش درآید و در جایگاه یک علاقه‌مند و شاگرد غیرمستقیم، درباره‌اش بنویسم. امیدوارم این نوشتار بخشی از حق مطلب را بجا آورد و آن را به روان پاک وی پیشکش می‌کنم. یادش گرامی و راهش ادامه‌دار باد.

